

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

## فاکتورهای تمدنی شکل حاکمیت سیاسی در کشور عزیز ما افغانستان همه‌پذیری دگراندیشان و نوع بازی با کارت ناسیونالیست پښتون تأمین عدالت اجتماعی به چه مفهومی تلقی می‌گردد؟

تبعات بقدرت رسیدن "طالب"‌ها برای کشورهای همجوار و منطقه  
مناسبات درهم تنیده شهروندان کشور بمنظور تشکیل حاکمیت  
قرائت‌های منحصربفردی از حاکمیت سیاسی در کشور  
توزیع افقی قدرت - یعنی استقلال و توازن هر سه قوه

حاکمیت سیاسی به نظام و دستگاهی اطلاق می‌گردد که بامور سیاسی و دولتی می‌پردازد، این نظام، اغلب با نظام حقوقی، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و دیگر نظام‌های اجتماعی مورد مقایسه قرار می‌گیرد. البته این دیدگاه بسیار ساده‌ای از یک نظام بسیار پیچیده تری محسوب می‌گردد که به مقوله‌هایی از این قبیل می‌پردازد که چه کسی باید در مصدر قدرت باشد، مسایل و امور مذهبی، چگونه باید مدیریت شوند و دولت باید چه تأثیری بر شهروندان و اقتصاد کشور داشته باشد. چند تعریف از حاکمیت سیاسی وجود دارد، از جمله: - حاکمیت سیاسی، مجموعه‌ای کاملی از نهادهای ذینفع از قبیل احزاب سیاسی، اتحادیه‌های تجاری و گروه‌های رأی‌دهی و ارتباط میان آن نهادها و قواعد و نورم‌های سیاسی است که عملکردهای آنها را اداره می‌کند، بگونه‌ای مثال قواعدی چون قانون اساسی و قانون انتخابات. یک نظام سیاسی از مجموعه گروه‌های اجتماعی دارای قدرت تشکیل شده است. یک نظام سیاسی، نظامی است که ضرورتن دارای دو مشخصه ذیل می‌باشد: مجموعه‌ای از احزاب مستقل که دارای مرزهایی با یکدیگر می‌باشند. نظام سیاسی مفهومی است که از لحاظ نظری به روشی از حکومت اطلاق می‌گردد که به سیاست‌گذاری و سازماندهی آن سیاست می‌پردازد. نظام سیاسی حفظ نظم و یکپارچگی را در جامعه تضمین نموده و در عین حالت سبب می‌گردد که برخی از نهادهای دیگر نیز نارضایتی‌ها و شکایت‌های خویش را در این دوره از حیات اجتماعی مطرح نمایند. نظام سیاسی یا حکومتی از مجموعه‌ای از ترکیبات تشکیل یافته که بر روی هم به تدوین و اجرای تصمیم‌هایی رهنمون می‌شوند که بر جامعه انطباق پذیر است. شباهت‌ها میان نظام‌های سیاسی را نیز باید در نظر داشت. همچنان می‌توان از موجودیت نظام‌های متمرکز، غیرمتمرکز و نظام‌های سیاسی فراملی نیز یادآوری بعمل آورد.

همه بخاطر دارند که با آغاز سده ۲۱، ایالات متحده جامعه جهانی را در مورد نیاز بانجام عملیات مسلحانه در سرزمین کشور عزیز ما متقاعد نموده و بر این بنیاد، با آغاز نخستین سال سده روان، با پشتیبانی و حمایت ۵۰ کشور جهان، با نظامیان تا دندان مسلح وارد سرزمین کشور ما گردیدند. عملیات مسلحانه یادشده برای ایالات متحده و برای کسانی که به نیروهای خارجی خدمت می‌کردند، بمثابه مزیتی پنداشته می‌شد، اما عملیات یاد شده بگونه ناگهانی محکوم بمرگ گردید. بارتباط تکوین وضعیت متذکره، جنگجویان "طالب" وارد کابل شده و نظارت‌شان را بر مرکز کشور تأمین نمودند. بنابراین اصل خروج و یا عدم خروج از کشور ما، بمثابه انتخاب مرگ یا زندگی برای نظامیان امریکایی پنداشته می‌شد. اما نباید فراموش نمود که تصویر و نمایش صحنه‌های بنشر رسیده شهروندان کشور که بمنظور ترک سرزمین آبایی و اجدادی‌شان بچرخ‌های هواپیمای ترانسپورتی نظامی چسپیده بودند، بخودی خود، نه تنها از ناتوانی شهروندان کشور، بلکه از ضعف

وعدم توانایی ایالات متحده نمایندگی می نمود. بدین ترتیب، پس از ۲۰ سال حضور سنگین نظامی در سرزمین کشورما، اداره واشنگتن باین نتیجه رسید که بایست بواقعیت شکستش معترف گردیده و بمنظور جستجوی راه و وسایل خروج از وضعیت بوجود آمده تلاش ورزد. در اقداماتی بمنظور نجات از آبروریزی بیشتر و حفظ شهرت ایالات متحده و ناتو، از جانب کاخ سپید اعلامیه هایی بنشر سپرده شد که گویا: "ما را از آنجا اخراج ننموده، بلکه خودما از آنجا بکشور برگشتیم". این خود بمثابه خاک زدن به چشم دیگران پنداشته می شود. در عین حال، ایالات متحده و هم پیمانان و متحدانش اصلن نمی خواستند به منافع شان ضرری متصور گردد، در این ارتباط آنها همچنان اعلام نمودند که "منافع" بمفهوم وسیع کلمه با تغییر شرایط و تحول وضعیت و چگونگی سیر حوادث، در نوع خود متحول می گردد. اما پرسشی مطرح گردید که خلای بوجود آمده پس از خروج نظامیان امریکایی توسط کیها رفع خواهد گردید.

مسأله یادشده، بیش از همه، دول کشورهای همجوار افغانستان، بویژه توجه کشورهای آسیای مرکزی و بگونه عمده علاقمندی روسیه، چین و پاکستان را بخود مشغول نمود تا با استفاده از تمامی وسایل و امکانات موجود اجازه ندهند که افغانستان برای کشورهای آسیای مرکزی به "بشکه باروت" مبدل گردد. بخاطر باید داشت که روسیه و چین را نمی توان بمثابه برندگان وضعیت کنونی در کشورما محسوب نمود. کشورها ی یادشده، بگونه قطع بمثابه ناظران حوادث و چگونگی سیر وضعیت جاری در کشورما بحساب می آیند. چین با روش معمول و منحصر بفردش باتخاذ موضعگیری در قبال قضایای موجود کشورما متوسل گردید. در مورد مسأله ای که به فدراسیون روسیه ارتباط می گیرد، باید یادآور شد با وجود آنکه جانب روسیه، "طالب"ها را بمثابه گروه تروریستی پنداشته و محکمه آن کشور، فعالیت های گروه یادشده را ممنوع فرار داده و اما در امتداد هفت سال پسین با "طالب"ها وارد مناسبات و تعاملاتی نیز گردید. روسیه بمثابه رقیب جیوپولیتیک ایالات متحده، بیشترین توجه خویش را بیک نیروی نظامی و سیاسی مؤثر، هرچند نه باندازه و معیار پاکستان و چین که در چارچوب سازمان همکاری های شانگهای و پیمان امنیت دستجمعی در افغانستان فعالیت می نمایند، معطوف می نماید. استفاده از نفوذ اینچنینی، بویژه در زمینه تلاش بمنظور شناسایی "طالب"ها و طرح مسایل و اظهارنظرهای مقامات چینی که پس از تسخیر کابل توسط "طالب"ها در رسانه های چینی مطالبی مبنی بر اینکه افرادی در کابل موجودند که از سفارت کشورما در آن شهر محافظت نمایند، منتشر گردید. همچنان در رسانه های روسیه نیز مطالبی بنشر رسید که بر بنیاد آن، درک جامعه روسیه از "طالب"ها مثبت تلقی می گردید.

اما معضلات و مشکلات کشورهای آسیای مرکزی، بویژه با معضل نظامیان مهاجر کشورما که در نتیجه حملات برق آسا و پیهم "طالب"ها عقب نشینی نموده و به تاجیکستان و ازبکستان پناه بردند، وسعت حاصل نمود.

در روشنی تکوین حوادث اتفاقیه در میهن ما، اما در قبال دول کشورهای آسیای مرکزی اصل مبارزه ببنیاد گرایي قرار دارد. بدین ترتیب، حدوث وضعیت اتفاقیه بازگویی این واقعیت می باشد که بیش از هر زمان دیگر، بایست بمنظور تأمین ثبات سیاسی در اراضی متعلق بکشورما تلاش نمود. اما قابل تذکر پنداشته می شود که ترک کشور توسط شهروندان تحصیل کرده و با استعداد، به یقین که بحال رشد و انکشاف کشور نهایت منفی و زیانبار می باشد. برخی از کارشناسان چنین می پندارند که ممکن شهروندان کشورما با معضلات و مشکلات عایده از رهگذر خشکسالی که در نتیجه تغییر اقلیم عرض وجود نموده، مواجه گردند که بنوبه خویش سبب ایجاد و ذایش معضلات گونه گونه سیاسی و اقتصادی خواهد گردید.

بر بنیاد اظهارات متذکره، بازیگران بین المللی بایست با برداشتن گام های بلندی در صدد آن شوند تا کشورما برای امنیت منظوقی (بویژه برای کشورهای همجوار) خطری ببار نیآورده، تهدیدی برای امنیت جهانی محسوب نگردیده و به کانون تشنج مبدل نگردد.

در حاشیه مسایل مورد بحث کنونی، یاددهانی این مسأله مهم پنداشته می شود که بسیاری ها طرح "کمر بند امنیتی" در اطراف مرزهای کشورما را سبب حل و فصل مشکلات داخلی جمهوری های هم مرز با افغانستان و هم بمثابه انگیزه ای بمنظور شرکت و سهمگیری پاکستان و ایران در طرح ژئوپولیتیک رئیس جمهور تا جیکستان می پندارند. همچنان بر بنیاد اطلاعات بنشر رسیده در وسایل ارتباط جمعی می خوانیم که با توجه بادامه تنش هایی در امتداد خط "دیورند"، فرماندهی نیروهای مرزی اظهار نمود که از جانب آنها قوت های

بیشتری به منطقه یادشده فرستاده خواهد شد. بارتباط مسأله گفته آمده، فرماندهی یادشده در مناطق شرقی کشور یادآور شد که بمنظور دفاع در قبال متجاوزین به سرزمین کشور ما در ۳۲ منطقه جدید در امتداد خط "دیورند"، بویژه در مناطق "بینشی"، "چیرگل" و "بری کوت"، نیروهی بیشتری اعزام خواهند گردید. بالبراز مخالفت علیه ساخت و ساز و اعمار یکجانبه موانع باصطلاح "مرزی" توسط پاکستان اعلام گردید که هیچکدام از دوجانب (افغانستان و پاکستان)، از این حق برخوردار نمی باشند تا با ایجاد موانع و حصارهای تصنعی و یا کشیدن سیم خاردار، شهروندان هم تبارویگانه را از هم مجزا نمایند. موضوع فوق برای افغانها اصلن پذیرفتنی نمی باشد. افغان ها خط فرضی "دیورند" را اصلن برسمیت نمی شناسند، بنابراین، "خط" یادشده چه در گذشته، چه در حال حاضر برسمیت شناخته نشده و در آینده ها نیز از حیثیت حقوقی برخوردار نخواهد شد.

براین بنیاد، فرماندهی واحد نظامی "خالد بن ولید" اعلام نمود که هرکدام از کشورهای همجوار افغانستان، اگر با معضل مرزی با کشور ما مواجه می باشند، مسایل مطرح پایست از طرق رسمی و از راه مذاکره مورد بحث قرارداد شده. فرماندهی یادشده همچنان یادآور شد که در گام نخست، دین و مقدسات دینی برایشان ارجحیت داشته و درگام و اقدام بعدی، دفاع از قلمرو و اراضی سرزمین ما بر بنیاد نورم ها و آموزه های اسلامی از اهمیت منحصربفردی برایشان برخوردار می باشد.

بتاریخ ۱۱ ماه جنوری سالروان، روزنامه "گاردین" درمورد معضل ناکافی بودن معاونت های بشردوستانه به شهروندان کشور ما و عواقب و پیامدهای ناگوار آن برای جامعه بین المللی بنشر مطالبی مبادرت ورزید. همچنان در نشریه یادشده میخوانیم که ممکن معاونت های نقدی صرف به رفع برخی از مشکلات موجود منجر گردد. در اینجا مقصد از تلاش سازمان ملل برای فراهم آوری مبلغ ۵ میلیارد دالر بمنظور جلوگیری از بحران بشری در کشور ما می باشد.

همچنان مطابق آمار بنشر رسیده توسط سازمان های بین المللی بتعداد ۹۵ درصد از شهروندان کشور، به مواد کافی خوراکی اصلن دسترسی نداشته و زمستان پیشرو، نیز در کنار سایر مسایل، موجودیت سوتغذی، حیات یک میلیون تن از اطفال کشور را با خطر مرگ تهدید خواهد نمود. همچنان در روزنامه یادشده یادآوری بعمل آمده است که وضعیت در امتداد زمستان پیشرو بدتر خواهد شد. همچنان خاطر نشان گردیده است که پس از بقدرت رسیدن "طالب" ها، اقتصاد کشور از هم فروپاشیده و مطابق اظهار نظرهای کارشناسان مربوط سازمان ملل، هیچکدام از اقتصادهای معاصر در سراسر جهان مانند اقتصاد افغانستان، با چنین شوک ناگهانی اصلن مواجه نگردیده است. بر بنیاد ارقام ارائه شده، با موجودیت حاکمیت "طالب" ها در کشور، افغانستان یک شبه ۴۳ درصد از محصولات خالص ملی خود را از دست داد. بدین ترتیب، تقلیل و کاهش کمکها و معاونت ها، موجودیت بیکاری فراگیر و تحولات سیاسی، سبب ارتقای قیم مواد اولیه مورد ضرورت شهروندان کشور گردید. قابل تذکر پنداشته میشود که معاونت های بشردوستانه برای کشور عزیز ما بویژه در شرایط حاضر از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد، اما در وضعیت حاضر، معاونت های یادشده اصلن بسنده نبوده و با وجود تعهد ایالات متحده و اروپا و با وجود ارائه کمک و معاونت، اما بدون موجودیت سیستم مؤثر ما لی در کشور ما، بمشکل بتوان از بروز بحران جلوگیری نمود.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که آزاد سازی مبلغ ۱۰ میلیارد دالر سرمایه بانک مرکزی کشور، در نوع خود بمثابه معضل عمده ای پنداشته می شود. همچنان اعلام گردیده که بدون اقدامات سازنده بمنظور تقویه و استحکام اقتصاد کشور، پیامدهای ناگوار آن دامنگیر بسیاری از کشورهای دیگر نیز خواهد شد. همچنان، انجام خشونت بویژه از جانب جنگجویان "داعش" و فعالیت ها و اقدامات بمنظور ازدیاد و وسعت کشت و قاچاق مواد مخدر نیز بخش دیگری از معضلات موجود در کشور ما پنداشته می شود. فرار شهروندان کشور همچنان ادامه یافته و مرگ و میر وحشتناک ناشی از گرسنگی واقع اتفاق خواهد افتاد. بخاطر باید داشت که در این مورد مسولیت عمده بر عهده ایالات متحده و جامعه بین المللی پنداشته شده و پایست بمنظور تأمین و فراهم آوری نیازهای شهروندان کشور ما با اقدامات مؤثری مبادرت ورزند.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که در امتداد روزهای پایانی سال پار، در امتداد خط "دیورند" درگیری های مسلحانه ای بوقوع پیوست. بر خودهای یادشده در برخی موارد، نتیجه موجودیت سوتفاهم های طرف های نیدخل پنداشته شد. اما نباید فراموش خاطر ماشود که در برخی از حالت ها، حدوث وضعیت اینچنینی بخودی

خود، نتیجه برخورد و تقابل منافع سیاسی، تغییر و تبدیل قدرت در کشورما، در نوع خود به مناقشه و اختلاف قدیمی و تاریخی مرزی میان افغانستان و پاکستان آتش ریخت.

در مورد امتداد و کشیدن سیم خاردار در امتداد خط "دیورند" باید افزود که در جریان هفته پسین، میان نظامیان افغان و نظامیان پاکستانی در امتداد خط "دیورند" درگیری هایی بوقوع پیوست. از طریق وسایل ارتباط جمعی کشور اخبار و ویدیو هایی به نشر رسید که بویژه گواه برداشتن موانع و حصار های ایجاد شده در امتداد خط "دیورند" توسط "طالب" ها می باشد. آنها با برداشتن موانع یاد شده اظهار نمودند که بدلیل اقدام به ساخت و ساز های یاد شده توسط پاکستان در اراضی و قلمرو مربوط بسرزمین افغانستان، به چنین اقدامی متوسل گردیدند. چه، بگفته آنها نباید در سرزمین و اراضی متعلق با افغانستان به عملکردهای اینچنینی توسل جست. اما بتاريخ ۱۹ ماه اگست سال پسین از تخریب موانع ایجاد شده در ولایت ننگرهار و بتاريخ ۳۰ ماه دسامبر سال پاردر ولایت نیمروز خبر داده شد. خط "دیورند" بامتداد ۲۶۷۰ کیلومتر در سال ۱۸۹۳ در زمان امپراتوری انگریز برپیکر کشورما تحمیل گردید. افغانستان بویژه از سال ۱۹۴۷، زمانی که پاکستان بر روی نقشه جهان عرض وجود نمود، مخالفت خویش را با چنین تقسیمی ابراز نموده و خط "دیورند" را بمثابة مرز میان دو کشور برسمیت نشناخته و تاکنون هم اصلن برسمیت نمی شناسد. در امتداد زمانی تمامی حاکمیت های سیا سی در کشورما، خط یاد شده را بگونه تصنعی و تحمیلی برپیکر کشور پنداشته که سبب جدایی خانوارها، قبا یل و اجتماعات انسانی در کشورما گردید. اما اسلام آباد مشکل یاد شده را حل شده پنداشته و در مورد اصلن حاضر به بحث و مذاکره نمی باشد.

پاکستان در مورد حصارکشی های سال های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ استدلال می نماید ک اقدام یاد شده بمنظور مبارزه با تروریسم و جلوگیری از قاچاق مواد مخدر انجام گردید. بر بنیاد گزارش های مقامات پاکستانی، کار حصار کشی یاد شده در حدود ۹۴ درصد به پایه اكمال رسیده و همچنان، اسلام آباد، در امتداد هفته های پسین، کار یاد شده را از سر گرفت که سبب ساز درگیری هایی در امتداد خط "دیورند" گردید.

وزیر امور خارجه پاکستان در امتداد ماه جنوری سال روان در جریان کنفرانس مطبوعاتی در اسلام آباد اظهار نمود که کشورش، آماده می باشد تا بمنظور دفاع از منافعش، بگونه یکجانبه به ساخت و ساز و اعمار حصار های امنیتی در امتداد مرزهایش با افغانستان ادامه دهد. نامبرده ادامه داده افزود که درگیری های ناشی از امر یاد شده در نتیجه "سوتفاهمی" (!) بوقوع پیوست که با استفاده از طرق صلح آمیز حل و فصل خواهد گردید. در بخشی از اظهارات نامبرده آمده که جانب پاکستان در باره معضل یاد شده در ارتباط بوده و امیدوارند تا مسایل از این قبیل را با جانب افغانی از طرق دیپلوماتیک حل و فصل نمایند. در واقع، یکروز پس از واقعه یاد شده، جنرال بابرا افتخار اظهار نمود که با وجود حوادث و درگیری های یاد شده، کار ساخت و ساز موا نع مرزی یاد شده در امتداد خط "دیورند" توسط پاکستان همچنان ادامه خواهد یافت. اما نامبرده درگیری های بوجود آمده را بمثابة مشکلات و معضلات محلی نامیده که توسط حاکمیت های هر دو کشور حل و فصل خواهد گردید.

با اینحال، بنظر می رسد که "طالب" ها براحتی در حال گرفتن امتیاز می باشند. اگر وزارت امور خارجه "طالب" ها باین امر موافقه نمود که معضلات موجود در امتداد خط "دیورند" که به درگیری هایی منجر گردید از طریق گفتگو و مفاهمه حل و فصل گردد. اما نماینده وزارت دفاع "طالب" ها بصراحت اظهار نمود که پاکستان اصلن از این حق برخوردار نمی باشد تا به کشیدن سیم خاردار و ساخت و ساز موانع در بخش هایی از خط "دیورند" مبادرت ورزد، چه چنین اقدامی، مردمان ملیت واحدی را بدو بخش منقسم نموده و از هم مجزا می نماید که عملکرد اینچنینی، در نوع خود نامناسب و غیرقانونی محسوب می گردد. معاون وزارت اطلاعات و فرهنگ "طالب" ها نیز یاد آور گردید که پاکستان بایجاد حصار در امتداد خط "دیورند" نباید مبادرت ورزد، چه، معضل و مشکل خط "دیورند" تاکنون حل و فصل نگردیده و تداوم حصارکشی های پاکستان، نا رضایتی های اهالی و باشنده های ساکن در هر دو جانب خط "دیورند" را ببار آورده است که در نوع خود به مثابه جداسازی جبری باشنده های محل محسوب می گردد.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که خط "دیورند"، مردمان واحد و یگانه ای را از هم مجزا نموده و چنین حصارکشی ها هرگز مورد پذیرش آنها نبوده، بلکه بر بنیاد اصول پذیرفته شده حقوق بین الدول خواهان حل و فصل عادلانه معضل یاد شده می باشند.

ناظران خاطرنشان می نمایند که ممکن هدف از مخالفت "طالب" ها با حصارکشی های پاکستان در امتداد خط "دیورند"، بمنظور تظاهر به مستقل بودن از اسلام آباد انجام شده باشد و اما اصل اتحاد مجدد پښتون های هر دو طرف خط یادشده، ممکن مورد پشتیبانی بیشترین بخش گروه های مختلف اجتماعی کشور ما قرار گیرد.

یکشنبه ۲۶ ماه دی سال ۱۴۰۰ خورشیدی